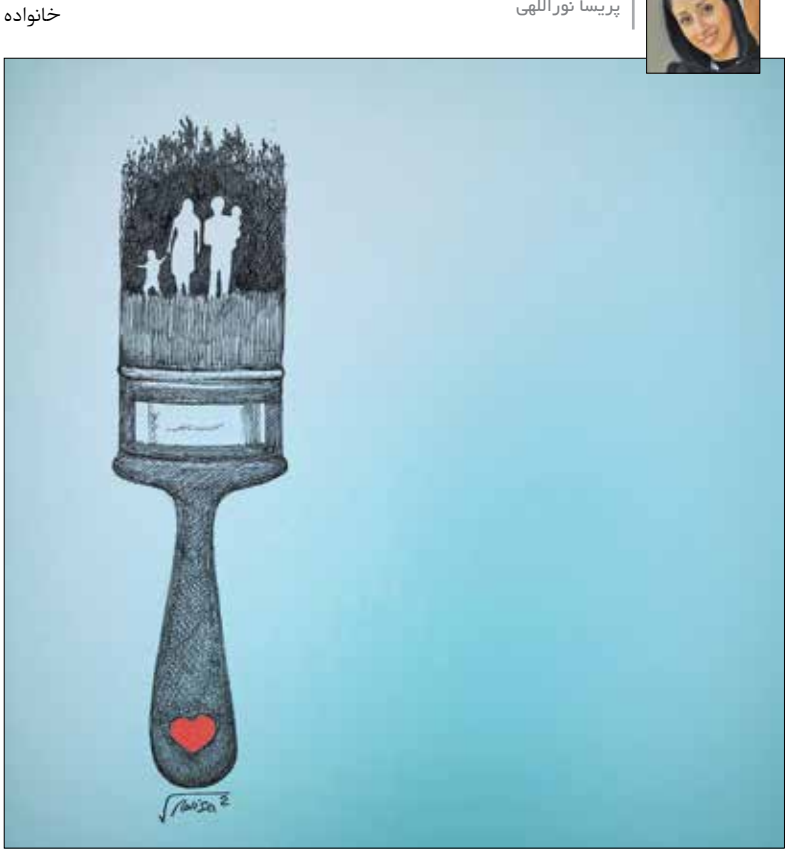


<div><div><span></span></div><div><div><b>ایران</b></div></div></div>	<div>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پایکد: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ سندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</div>
<div>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه مشهوری</div>	
<div>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewspaper.ir</div>	
<div>اذان ظهر ۱۳/۰۷   اذان مغرب ۲۰/۴۵   نیمه شب شرعی ۰۰/۱۴   اذان صبح فردا ۴/۰۳   طلوع آفتاب فردا ۵/۵۰</div>	
<div><b>امام صادق علیه‌السلام:</b> آيا به شما بگويم که مکارم اخلاق چیست؟ گذشت کردن از مردم، کمک مالی به برادر (دینی) خود و بسیار به یاد خدا بودن.</div>	
<div><b>سخن روز</b></div>	<div><b>معانی‌الآخبار، ص ۱۹۱، ح ۲</b></div>

#### نگاره



پرینسا نور الهی



#### شهر وند مجازی

یگانه خدایی

#### ماجرا

طالبان دوباره در حال پیشروی در افغانستان است. خبرهایی که از همسایه ایران می‌رسد باعث شده کاربرانی با نگرانی درباره آن بنویسند و از خطرات تسلط دوباره طالبان بگویند. کاربران

افغان هم مرتب اخبار مربوط به کوروشان را بازنشر می‌کنند: «وضعیت در مزارشریف متشنج است. طالبان ولسوالی‌های کلیدی را تصرف کردند و در دروازه‌های مزارشریف هستند. نیروهای وابسته به احزاب مثل دهه نود میلادی، مسلح شده‌اند تا مانع ورود طالبان به داخل شهر شوند. شهر بین احزاب تقسیم شده.»، «چرا چرا تموم نمیشه؟ چقدر باید زجر بکشن این ملت؟ انیمیشن نان‌آور رو ببینین وحشت طالبان رودرک کتین»، «مردم به سرزمین خودشون باید به این باور برسن که دیگه جهل و خرافات نمیخوان. آگاهی و نور میخوان.»، «سلیمه مزاری فرماندار مزار شریف سال ۵۹ در تهران متولد شده و فارغ‌التحصیل جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی است؛ سلیمه اسلحه به دست شدند».



#### روایت صلح با زبان موسیقی ایرانی و هندی

به مناسبت روز جهانی موسیقی حمید قنبری به همراه درشن جوتسی آندند گفت‌وگوی میان دو ساز کوبه‌ای ایرانی و هندی را منتشر کردند. این قسمت در ادامه پروژه موسیقی همساز است که تاکنون قطعاتی با همراهی سازهای تنبک، ناقاره، دف، بندیر، تاکینگ درام، پیپا (ساز باستانی کشور چین)، تمبوریم، پاندیرو و کویی کا (از سازهای کوبه‌ای برزیلی) و با همراهی پژمان حدادی، وحید اسداللهی، حسین رضایی نیا، پدرام خاورزمینی، ژاؤن ژوچان و الکساندر جسوس منتشر شده است. هفتمین قطعه پروژه موسیقایی «همساز» با هنروازی سازهای تمبک و طبل‌ا و هنرمندی درشن جوتسی آندند، نوازنده نام آشنای هندی تنظیم شده است. حمید قنبری به ایسنا گفت: این هنروازی مشترک سال گذشته در فستیوال هند و ایران به دعوت یونسکو به اجرا درآمده بود. این فستیوال با توجه به شیوع ویروس کرونا به صورت آنلاین و با شعار سلامت ذهن و بدن در تاریخ ۲۱ ژوئن ۲۰۲۰ برگزار شد و این بار هنروازی طبل‌ا و تمبک به عنوان هفتمین قطعه از پروژه «همساز» منتشر می‌شود. قنبری در ارتباط با روز جهانی موسیقی اظهار کرد: این روز مصادف با ۳۱ خردادماه است و طی آن موسیقیدانان و نوازندگان سراسر دنیا با هدف ترویج صلح و آرامش به اجرای کنسرت‌های باکیفیت و در عین حال رایگان برای همه مردم می‌پردازند.

او به مشابَهت معنایی سازهای شرق اشاره کرد و افزود: ساز طبل‌ا مهم‌ترین ساز کوبه‌ای شبه قاره هند شامل دو طبل کوچک و بزرگ با نام‌های دایان و بیان است که در هفتمین قطعه «همساز» با مهم‌ترین ساز کوبه‌ای ایرانی، تمبک، همراه خواهد شد.

به یاد حمید مجتهدی، مستندساز فقید و صاحب سبک

## یادگارهای ایرانی

#### یادداشت شفاهی



رامتین شهبازی مستند

روان‌شاد حمید مجتهدی را برای اولین بار در برنامه «سینماگرام» شبکه چهار سیما ملاقات کردم. برنامه آن شب به فیلم «محمد رسول الله» اختصاص داشت و مجتهدی که فیلمبرداری این فیلم و «عمر مختار» مصطفی عقاد را برعهده داشت برای گفت‌وگو با شاهرخ دولکو به این برنامه آمده بود. سلام و علیک کوتاهی داشتیم و بعد از ضبط برنامه ایشان را ندیدم تا اینکه بعد از مدتی با من تماس گرفت و برای پژوهش یک مستند دعوت به همکاری کرد. آن روزها تصمیم داشت مستندی درباره ایستگاه‌های تلویزیونی در ایران بسازد. به خاطر مشغله‌های کاری من این همکاری مقدور نبود و دوست دیگری را معرفی کردم اما در همان چند جلسه‌ای که به

همین منظور با هم مرآوده داشتیم، ایشان را انسانی وارسته یافتم. با وجود سن و سال بالا بسیار دقیق و پر از شور زندگی بود. بیش از این‌ها و قبل از این آشنایی، حمید مجتهدی را به واسطه فعالیت‌های سینمایی و آثار مستندش می‌شناختم. او در دوران قبل از انقلاب جزو اولین و معدود فیلمبرداران تحصیلکرده سینمای ایران بود.

سینمای قبل از انقلاب فضای تجربی بود و کارهای فنی به صورت کاملاً تجربی آموخته می‌شد. به همین خاطر در تیتراژ فیلم‌ها نام یک نفر به عنوان تدوینگر و فیلمبردار و کارگردان ... ذکر می‌شد. در چنین دورانی زنده‌یاد مجتهدی فیلم‌برداری را به صورت تخصصی و آکادمیک از دانشگاهی در انگلیس یاد گرفت و تجربه کرد. در آن ایام هم با هر کارگردانی

#### خروج اهالی نشر از دغدغه و تشویش

خروج کاغذ از کالاهای مشمول دریافت ارز دولتی یکی از موضوعاتی بود که در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ موجب نگرانی اهالی نشر و افزایش قیمت کاغذ شد. این امر موجب ایجاد تلاطم در بازار کاغذ و افزایش قیمت کاغذ شد و ناشران را که در ایام کرونا متحمل ضررهایی شده بودند بیش از نیش دچار تشویش کرد. خوشبختانه

با پیگیری‌های معاونت فرهنگی و وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی راهکاری برای این موضوع اندیشیده و مقرر شد تا مابین ۲۰ هزار تن کاغذ نشر (۱۳ هزار تن کاغذ تحریر و هفت هزار تن کاغذ بالکی) برای این موضوع اختصاص پیدا کند. این اقدام مطمئناً تأثیرات مثبتی در کاهش قیمت کاغذ و ایجاد ثبات در بازار خواهد داشت و ناشران و اهالی فرهنگ را به ادامه این مسیر دلگرم خواهد کرد. برای این منظور کارگروه کاغذ معاونت امور فرهنگی اطلاعاتی مبنی بر دعوت از شرکت‌های معتبر واردکننده کاغذ جهت تأمین این میزان از کاغذ در پایگاه رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر کرد. شرکت‌های واجد شرایط فرصت دارند تا تاریخ هفتم تیرماه سال جاری نسبت به تحویل درخواست‌های خود به کارگروه اقدام کنند.

از دو سال پیش که موضوع تأمین کاغذ با ارز دولتی مطرح شد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تکاپوی بسیاری برای تحقق این موضوع داشته است. از سوی دیگر تلاش شد با ایجاد کارگروهی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان «کارگروه کاغذ معاونت امور فرهنگی» شیوه توزیع کاغذ در میان ناشران به نحو بهتری انجام شود. این کارگروه نیز با توجه به فعالیت ناشران در سال‌های پیش، میزان انتشار کتاب‌ها در طول سال، راستی‌آزمایی میزان درخواست‌های آنها و همچنین بازدید از انبار کتاب ناشران تلاش کرد این کاغذها را در اختیار ناشران برای انتشار آثار قرار دهد.

امیدواریم با تأمین کاغذ نشر بتوانیم زمینه را برای فعالیت هر چه بیشتر اهالی نشر فراهم کنیم. در دوره وزارت آقای دکتر صالحی توجه به حلقه‌های مختلف صنعت نشر مورد توجه بوده است و ابتکارانی در این حوزه انجام شده که نمونه بارز آن بارانه‌های فصلی کتاب است. این بارانه‌ها در سال‌های اخیر به سقف ۴ میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است و میزان خرید در آخرین طرح فصلی کتاب موسوم به بهاره کتاب ۱۴۰۰ بالغ بر ۲۱ میلیارد تومان بود.

این‌گونه اقدامات فرهنگی زمینه را برای گردش بیش از پیش سرمایه نشر در بخش‌های مختلف سوق داده است و امیدوارم با افزایش این گونه طرح‌ها شاهد افزایش کتاب و کتابخوانی در کشور باشیم.

#### شهاب حسینی: کیارستمی متفکر سینما بود

هنر سینما ریشه در دریافت‌هایی دارد که همه ما از زندگی داریم و برای نشان دادن این دریافت‌ها از راه‌های مختلف استفاده می‌کنیم. همه ما بعد از زبان مادری زبان‌های دیگر را انتخاب می‌کنیم تا این دریافت‌ها را به گوش دیگران برسانیم. هنر سینمایک زبان است و دارای قواعد خاص خودش است. هر کس باید توانایی‌های خود را پیدا کند و به زبان‌های دیگر صحبت کند اما مهم این است که آن زبان چه حسی را می‌خواهیم منتقل کنیم. عکس خیلی مهم است چون نوع دیدگاه عکاس را در باره یک سوژه نشان می‌دهد. همچنین می‌توانیم هنر سینما را یک زبان بدانیم. عباس کیارستمی اندیشمند، ادیب و متفکر به زبان و ادبیات سینما بود.

از صحبت‌های این بازیگر در جشنواره «عکس ۵» هنرمان با سالروز تولد عباس کیارستمی در موزه سینما



کار نمی‌کرد، اغلب با فریدون گله همکاری داشت که نسبت به کارگردان‌های آن دوره آدم متفاوتی بود. بعد از انقلاب فعالیت‌های ایشان بر مستندسازی متمرکز شد که مهم‌ترین آن مجموعه مستند ایران است. در این مجموعه برای اولین بار حمید مجتهدی از فیلمبرداری هوایی استفاده کرد و توانست یک زیبایی‌شنایی تعریف کند و انگاره‌ای تازه از ایران شکل بدهد که در دیگر مستندها نبود. نگاه خاصی به موقعیت جغرافیایی و هویت بومی و به قول معروف نگاه اینجایی به ایران داشت که شاید با نگاه‌های کلاسیک دیگر فیلم‌های مستند فاصله داشت. نمی‌خواهم بگویم روح شاعرانه داش؛ بالعکس بشدت پیگیر داده‌های علمی و دقیق بود و بر دقت بخش پژوهش تأکید داشت. با وجود اینکه خیلی از مستندسازها خود بخش پژوهش را به عهده دارند او برای کار تازه‌اش سراغ یک مدرس دانشگاه آمده بود و بر پژوهش دانشگاهی اصرار داشت آن هم برای موضوعی که شاید مقوله‌ای اداری و سازمانی بود و یک نفر در همین سازمان می‌توانست تمام اطلاعات را در اختیارش قرار دهد. برای

زنده‌یاد مجتهدی اما مقوله پژوهش را اندازه تبدیل کردن این اطلاعات به تصویر مهم بود. این ویژگی‌ها در کنار هم نشان می‌دهد که حمید مجتهدی در مستندسازی تا چه میزان دارای دقت و وسواس بود اما به قدر شایستگی، ارج ندید، چون آدم بی هیاهویی بود. هیچ وقت او را در محافل مستند ندیده بودم

و همین دوری‌گزینی باعث شده بود در قواعد بازی قرار نگیرد. با همه این احوال، او میراث خوبی برای ما به یادگار گذاشته که باید قدردان آن باشیم. امیدوارم با همکاری خانواده، مرکز گسترش و تلویزیون، مجموعه مستند ایران در پلنفرم‌های نمایشی قرار بگیرد تا بهتر دیده شود و مسیر او به نوعی توسط پسرش ادامه یابد.



#### گیر افتادن در تله موش نیویورکی‌ها



زندگی در جهان پیچیده امروز، برای عاقلان شش‌دانگ مشقت آفرین و مرارت‌بار است چه برسد برای ابلهان بالفطره و ساده‌دلان شیرین عقل!! کافی است کمترین نشانه‌ای از ساده دلی در رفتار شما باشد تا هرنی بشری برای فریفتن‌تان طمع کند و دسیسه بچیند. درست مثل «فرد فیچ»، شهروند ساده دلی که در ابر شهر مدرن و هولناکی همچون نیویورک زندگی می‌کند. او که تا دیروز آدمی معمولی و دست به دهان بود از بخت مساعد، یک شبه صاحب ثروتی بادآورده می‌شود. حالا مگر می‌شود ساده دل باشی، ثروتمند باشی، ساکن نیویورک هم باشی و از دام تبهکاران رند و طماع این نوعروس شهرهای جرم‌خیز جهان در امان بمانی؟! «خدا به داد آدم ابله برسد» رمانی شیرین است تا همین موقعیت ویژه و ترازیک را روایت کند. داندل وست لیک به عنوان نویسنده‌ای خوش قلم و خلاق، زندگی پرماجرا ی فرد فیچ ساده دل را داستانیاد داستان تحسین شده خود قرار می‌دهد. او که به داستان‌نویسی معماگونه علاقه دارد و برای چنین سبکی بارها برنده جوایز ادبی شده است، داستان خود را در ژانر جنایی – پلیسی روایت کرده است؛ ژانری که در نیمه نخست قرن بیستم یکی از محبوب‌ترین قالب‌های داستان‌نویسی در اروپا بود و هنوز هم در امریکای شمالی از پرطرفدارترین گونه‌های روایی است.

داندل وست لیک رگ خواب خواننده خود را خوب می‌داند. نه دنبال انتقال «پیام»‌های فلسفی و اجتماعی و اخلاقی است و نه قالب داستان را با بیانیه‌های مصلحانه عوضی گرفته است. داستانی سراسرت فراهم آورده تا در عین سرگرم کنندگی، جوهره تلخ زندگی انسان در جهانی پیچیده را گزارش کند. در این گزارشگری روایی، حواسش بوده که از همان قالبی بهره بگیرد که ذهن امریکایی عاشق آن است یعنی سبک جنایی– پلیسی. به اعتبار همین خلاقیت و مهارت بوده است که انجمن نویسندگان آثار پلیسی امریکا به سال ۱۹۹۳ لقب «استاد بزرگ» را به او اعطا کرد.

دکتر کیهان بهمنی که آثار پرشماری را در حوزه ادبیات داستانی ترجمه کرده در برگردان فارسی این اثر، نثری ساده اما مستحکم را به

خدمت گرفته تا هم شیرینی کار را کم نکرده باشد و هم هیجان معماگونه‌ی اصل اثر را به خوبی در ترجمه نمایانده باشد. نثر آموت هم به عنوان بانی و ناشر اثر، سلیقه‌ای ستودنی در کتاب آرائی به کار بسته تا «خدا به داد آدم ابله برسد» در چشم مخاطب سخت پسند مقبول بیفتد. حاصل اینها تدارک کتابی خوب و خواندنی است که مخاطب عام را راضی نگه می‌دارد و به کاردانی پدیدآورندگان آثار فرهنگی گواهی می‌دهد.

- خدا به داد آدم ابله برسد**
- داندل وست لیک/ ترجمه کیهان بهمنی**
- نشر آموت**

...



بوچک هورسمن (BoJack Horseman)

ازم پرسیدی که آیا فکر می‌کنی در اعماق وجودت آدم خوبی هستی یا نه؟ فکر نمی‌کنم به اعماق وجود اعتقاد داشته باشم. به جوانیایی فکر می‌کنم ما همه کارهایی که انجام می‌دیم هستیم.

در دوباره دیدن فیلم تئاتر «تکه‌های سنگین سرب»

#### چهره چریکی چمران

مواجهه با آدم‌هایی که در حافظه جمعی ما شکل گرفته‌اند، چندان هیجان آفرین و رغبت‌بخش نیست، خاصه آنکه این شخصیت براساس باورهای عمومی و القای رسانه‌ای از چنان تمایزی برخوردار شده که نتوان به دوباره‌آفرینی آن دل خوش داشت. از این روی، در این رویارویی، روایتی کارکرد دارد که بتواند شکلی دیگرگونه از شخصیت را که به واسطه عبور زمان، قابل ابراز باشد، تعریف نماید.

رویارویی با «چمران» نمایش «تکه‌های سنگین سرب» به کارگردانی ایوب آقاخانی از چنین تعریفی برخوردار است. نگاه غالب بر این شخصیت در همه این سال‌ها، منتج به آفرینش شخصیتی شده است که همه خصلت‌های انسانی و فراتر او را در پس جامه چریکی چمران پوشش داده است. انسان معاصر که با ممارست در درک روزگار خویش، به دریافت‌هایی متمایز و کنش‌هایی منحصر به فرد، وقوف پیدا کرده بود اما نقش سازوار او در موقعیت‌هایی از چرخه تثبیت انقلاب که تاگزیر وجه نظامی او را بیشتر نمایان می‌ساخت، فرصت مواجهه با دیگر مؤلفه‌های شخصیتی او را ناممکن نمود. نویسنده با زمان آگاهی لازم به بخشی مغفول مانده از زندگی دکتر چمران پرداخته است که در مسیر روایت آن می‌توان به تصویری از دوران دانشجویی او در امریکا، اتفاقات خانوادگی، اقامت او در لبنان و رونمایی از تصمیم‌هایی سخت که جانیامیه شخصیت چمران را مشتمل می‌شود، برخورد کرد. در خلال داستانی که از زبان بازیگر زن این نمایش روایت می‌گردد، به‌تدریج زوایای نامکشوفی از زندگی چمران روشن می‌گردد که متأثر از قرار گرفتن او در موقعیت‌های رفتاری متفاوتی است که هر انسانی در چنین مواجهه‌ای، کنشی خاص ابراز می‌کند. آنچه به وضوح در این متن بر آن اصرار می‌شود شباهت تاگزیر چمران به دیگر آدم‌ها در عین تفرد و یگانگی اوست. چمران هم در بیرون تاب زندگی خویش، چهره‌ای چریکی دارد و همین در درون تاب زندگی خویش، بنا به آنچه ایوب آقاخانی به نمایش



گذاشته است، رویکردی چریکی دارد. چمران ایوب در همه نمایش، جامه چریکی بر تن دارد. تفکری که بنا به تعمیق آن در گوهره چمران، در وضعیت‌هایی همچون بازگشت خانواده‌اش به امریکا، آگاهی از غرق شدن فرزند خردسالش در استخر و بازگشت او به کردستان متجلی می‌گردد و بر هویت و اصالت این تفکر اصرار می‌نماید. دستاوردی که به تمامی از آن چمران نیست و دیگران نیز به سهم و نوبت خویش در آن شریک بوده‌اند اما در متن ایوب آقاخانی همچون دیگر تراژدی‌های امروزی، تکیه بر فردیت قهرمان داستان است و بر این اساس یگانگی او در صحنه پایانی نمایش، شاید یادآور این نکته باشد.

به هر حال چمران ایوب، نه به تمامی نماینده جامعه روزگار خویش است و نه شخصیتی یگانه که مناسبات اجتماعی در پیکره ذهنی او بی‌اثر باشد. چمران، قهرمانی است که به شیوه‌ای هنرمندانه، در روزگار خویش متجلی می‌گردد.

در صحنه اجرای این نمایش اگر چه حس غالب بر اثر مرکزیت جنبه‌های مهمات و پوشش نظامی چمران، حسی نظامی است اما آرامش شخصیت‌ها و القای عواطف هر دو سوی داستان به یکدیگر به واسطه لحن و لهجه بازیگر زن و ادبیات کلام چمران، آن سنگر نظامی را به صحنه در صحنه‌ای برای عشق‌ورزی قهرمان داستان بدل می‌کند؛ قهرمانی که جنگ را نه برای جنگ که برای «صلح» برمی‌گزیند.



#### عکس نوشت از یکدیگر تخریب شدند. سینما آسیا که در سال ۱۳۴۰ کار خود را آغاز کرده و سینما قدس مشهد که قدمتی ۵۱ ساله داشت. این دو سینما در اختیار حوزه هنری بود./ ایسنا